

طرح نو

شهرود



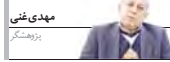
باز خوانی سخنان
ملاکه یوسفزی، پرنده
جایزه صلح نوبل ۲۰۱۴

اشکال در شکل گیری
انتظارات اجتماعی
گفت و گو با اسماعیل قدیمی



نگاه روز

راستگویی را نهادینه کنیم



مهدی غنی
روشنگر

افزایش اعتماد عمومی یک اصل بیست‌نندار که آن صداقت و راستگویی است که باید وجود داشته باشد. انسان‌ها تنها به یک دلیل به هم اعتماد می‌کنند، صداقت و راستگویی. اعتماد عمومی دو وجه دارد اعتماد بین مردم و اعتماد بین مردم و مسئولان. در هر دو وجه باید زمینهای فراهم شوند تا راستگویی رواج پیدا کند. در جامعه ما هم اصلی‌ترین راه جلب اعتماد عمومی، رواج صداقت است. شاید به نظر برسد که اعتماد بیشتر بین مردم و مسئولان است، با این حال در جامعه امروز ما حتی مردم هم به یکدیگر اعتماد ندارند. اقبال مختلف جامعه هم اعتماد ندارند وقتی شما به معنای امروز رسیده‌اید تا کالایی بخردید مطمئن هستید که آن کالا ارزش واقعی قیمت خریدش را نداشته باشد، با این که کنترل می‌کنید که تاریخ مصرفش نگذشته باشد چرا که صرفاً بر حرف و تمهید فرورنده اعتماد دارید. متأسفانه در جامعه ما دروغ گفتن جایگاه و راستگویی فقط در موارد اضطرار انجام می‌شود در حالی که باید برعکس باشد. دلیلش هم این است که راستگویی در برای مواقع نامناسب است. مناسب‌ترین حالت در بسیاری از افراد می‌بیند اگر راست گویند با مشکلاتی روبرو می‌شوند پس ترجیح می‌دهند یا سکوت کنند یا دروغ بگویند. انسان نباید از راستگویی فرار کند اما مناسبات جامعه است که این روند را تشویق می‌کند. کسی که دروغ می‌گوید مورد تشویق قرار می‌گیرد و در مقابل راستگویی سرزنش می‌شود. معنای راستگویی که دروغگویی را مورد ستایش قرار می‌دهد باعث می‌شود که اخلاقیات در جامعه به ازای اخلاقیات حقیقی بخشی از این موضوع به ناهشایی اجزای دولت برمی‌گردد و بخشی از آن به فرهنگ جامعه ما برمی‌گردد در همان دوران کودکی هم می‌بینیم که اگر بچه‌های راستش را بگوید مورد تشویق قرار می‌گیرد یا اگر راستگویی از او انتظار نداشته‌اند حتی اگر کسی به جرمی اعتراف کند هم نباید برگی راستگویی سرزنش شود. روایتی از زندگی پیامبر (اسلام) در این مورد هست که شاید باز گویند تمدنی در این لطف نباشد. زوری شخصی نزد پیامبر(س) می‌آید و می‌گوید من به زدی عادت کرده‌ام از شما می‌خواهم به من کمک کنید این عادت بد را ترک کنم. پیامبر(س) می‌گوید من از تو سوگند می‌کنم که خواهی که انجام دهی و آن راستگویی است. معنی تحت‌اللفظی راستگویی دروغ نگوی همیشه راستش را بگو. آن فرد به پیامبر می‌گوید مشکل من راستگویی و دروغگویی نیست مشکل من عادت کردن به دروغ است. اما پیامبر اصرار می‌کند که تو فقط صداقت داشته باشی این فرد می‌گوید که فکر که پیامبر هم نتوانست مشکل من حل کند. بعد از آن وقتی برای زدی می‌رود و یک لحظه با خود فکر می‌کند اگر صاحب مال گردا من می‌برد دستم کجا بپوشی و چه می‌فروشد دیگری می‌چوبی به او بدهم؟ یا اگر هر فرد دیگری سوال را از من بپرسد من را راستش را بگویم رسوا می‌شوم پس دستت از زدی می‌کشید چون راستگویی می‌توانست هویت او را برای مردم فاش کند.

آسیب بزرگ زمانه ما

تازه به دوران رسیدگی همراهی کپی با دو شهروند مرفه تهرانی

صفحه ۱۱



ناصر تقوئی
سازنده‌کنترل



اگر به مثابه یک آسیب‌شناس، قرار بود بزرگترین آسیب زمانه و پهنای آن که در آن زندگی می‌کنیم، به بیان درآوریم، شاید در نخستین نگاه به توجه به آسیب‌های بی‌شماری که در اطرافمان می‌گذرد نیاز داشتیم تردید زیادی به خود راه دهیم. شاید، همچون برخی از تاریخ‌دانان، به‌سرآمد پیشینه‌های طولانی تمدنی در این کشور، می‌قیمیم و گمان می‌بریم پاسخ را باید از یونانیان یا رومیان دریافت کنیم و استناد از زندگی و نمود آسیب می‌دانستیم، یا مثل گروهی از ماسکیت‌های کلاسیک‌نگار، به‌سازمان قدیمی و از کارآفرینان، همچون «الپاساری»، از مثل کارل ویتفولک پیشتی می‌کشیدیم و موقعیت‌های مشکل خود را ناشی از آسیب‌های طبیعی و محیطی می‌پنداشتیم. شاید هم به رافل‌های راحت‌تری متوسل می‌شدیم و براساس اندیشه موسوم به «دایجان ناپلئونی» تصور می‌کردیم که دلیل تمام مشکلات را می‌توان در «یک نوط‌نیز» یا اگر بخواهیم، «یک سوار از آن نوط‌نیز» مشکلات و آسیب‌ها را با یک‌پیکر می‌پوشاند. اندیشمندان سیاسی و متخصصان علوم حکومتی و مدیریتی معمولاً بسیار تمایل دارند که مشکلات و آسیب‌ها را در این حوزه‌ها بیاورند و گمانند بر آن است که کمبود مدیران برجسته و کارکنان هم‌چون رابرت ساد می‌تواند بسیاری از مشکلات مدیران جدید می‌توان پنداشتند که آسیب‌ها از میان می‌روند. متخصصان علوم آموزشی نیز گمانشان آن است که هم‌چون ما می‌توان با آموزش دادن مناسب و با تربیت کردن حل کرد و جامعه‌ای بدون مشکل و آسیب‌ها داشت. اما گمان تحلیل‌گران علوم اجتماعی و انسانی چنین نیست و مسائل را از درچه دید پیچیده‌تری می‌بینند و روشن است به همان اندازه که مسائل را پیچیده‌بینیم از راه‌حل‌های ساده برای آنها نیز ناتوان خواهیم بود بدون آن که البته بر آن باشیم که راه‌حلی وجود نداشته باشد.

جامعه توانمند

ناکار آبی موعظه!



یحیی یثربی
لسان‌طنین

زندگی امروز ما، زندگی‌ای است که در دوران مدرن، سری می‌شود و به همین دلیل، الزامات خاصی خود را دارد. ما با توجه به زندگی در دوران مدرن و با نظر به تعبیرات زبانی که در زندگی ما پدیدار شده است، نیازمند الگوهای زندگی در جامعه هستیم. در جوامع گذشته به دلیل ساده‌بودن زندگی مردم و سادگی روابط میان آنها، الگوهای زندگی بسیار ساده‌تر می‌گرفت. در این روش که بر اخلاق جامعه هم تأثیر می‌گذاشت، جامعه حرکت و پویایی خود را حفظ می‌کرد. خطی‌ب‌آیات و روایات مربوط به اخلاق برای مردم می‌خواندند و یک روحانی، بازاری‌با یا صنعتگر را، الگوی رعایت این اخلاقیات معرفی می‌کردند.

وضع امروز ما، آنچه در گذشته بود و نمونه‌ای از آن ذکر شود، تغییر کرده است. زندگی امروزی پیچیدگی خاصی خود را پیدا کرده و روابط افراد را یکدیگر نیز از گذشته پیچیده‌تر کرده است. در دوران قدیم خانواده‌ای که از پس ذخیره کنندم زمستانش بر می‌آمد، دیگر مشکلاتی نداشت، اما در این مقطع زمانی انواع لوازم زندگی از ماشین‌لیفتی گرفته تا ماشین‌سواری آن هم با ما راه‌های مختلف تولید شده است. حجم این تولیدات خود بخود پیچیده‌تر شدن زندگی در دوران کنونی است. از طرف دیگر، نیازها، نیازهای و مراکز مختلفی با آمدنهای گوناگون به‌وجود آمده‌اند و شهرت‌سنجی هر روز بیش از گذشته توسعه می‌یابد. به این ترتیب، شرایط فضاقت کردن به موعظه الگوهای، ما را به نتایجی که در فضای وجود آمده نیازمند آن هستیم، نمی‌رساند. با این وجود در چند دهه گذشته، سازمان‌های عریض و طولی به این منظور به‌وجود آمده‌اند. مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی دارای ملمان تریبی و ورزشی هستند. نهاد تربیتی و دوسو اخلاقی در برخی واحدهای درسی رشته‌های تحصیلی مختلف، گنجانده شد به نظر می‌رسد اگر همه این جنبه‌ها و شعبه‌های ایجاد شده در کنار هم در همه‌تولیم به این جهت‌سنجی می‌کنیم، از ادراک جمعیت‌پراکنده در کلان‌تاریخی هستند. اما اخلاق جامعه در وضعیت خاصی قرار ندارند. نااهنجاری‌های اخلاقی را قریب‌الذمه اخلاقی، نهمت، نهمت، زورگیری، درگیری، ناسازگاری و خلافکاری‌ها در جامعه‌های کنونی به‌نظر می‌رسد مشکلات زندگی امروز، باعث ظهور و بروز هر چه بیشتر انحرافات اخلاقی شده است. بنابراین برای مقابله با وضع موجود، آمده نیازمند شیوه مواجهه صحیح و کارآهسته، به‌نظر می‌رسد. لازم است در کنار موعظه و تبلیغ، زندگی مناسب و راحت و مرطبی برای مردم مهیا کنیم. اگر چنانچه ما در سن بلوغ از خروج می‌گردند و شغل و خانه داشته خیلی از نااهنجاری‌های جامعه حل می‌شود. حل این معضلات بخش بزرگی دارد که مربوط به نااهنجاری‌های فرهنگی اخلاقی نیست. صاحبان نفوذ است. در این مرحله باید نظرها را بر مسئولان مدیران بیشتر کنیم که به دیگر شاهد اخلاقی و مسئولیت‌های است که به تبع آن ایجاد می‌شوند، نیازمند سواً اینجاست که چرا در کشورهای مثل آلمان و آمریکا سبب شده نمی‌شود که فلان مسئول به‌همان مقدار پول جمع کرده و آن پول را در بانک‌های بی‌شماری جمع کند؟ یا آنکه آنجا که ما مومن تر نیستند، موعظه در آنجا این است که سیستم آموزشی آن کشورها راه‌های جدید درآمد را شروع را بسته است. در آن مملکت حساب و کتاب حقیق در کار است. باید توجه داشته باشیم شنبین خبر اخلاقی می‌یاریم از کشور ما مانند پنگی است که بر سر اخلاق جامعه گویند می‌شود. باید از خودمان پرسیم تا چه زمانی قرار است کنترل ورود مواد مخدر به کشور و جابه‌جایی آن در شهرهای مختلف را تنها از طریق بریدن حکم اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر اجزای کنیم؟ باید بیندیشیم فکر کنیم باید یا بدستور تغییر داد، به‌نظر من فراهم کردن یک زندگی خوب و سالم برای عموم و سیستمی که اجازه تقلب و زدی را به افسر ندهد نااهنجاری‌های اجتماعی را به قدری کاهش می‌دهد که مسأله اعتماد در آن پیش‌پاافتاده محسوب می‌شود.

